

رحمت در مخاصمات مسلحانه از منظر اسلام

زهره مهدوی^{۱*}، مصطفی فضایی^{۲**}

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم، قم، ایران
۲. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

جنگ و منازعه بخشی از فرهنگ اعراب در دوران جاهلیت بوده است با ظهور اسلام، در قرآن و احادیث و سیره نبوی مسلمانان به مدارا، دوستی و صلح تشویق شده‌اند. اسلام به دنبال حفظ و هدایت بشر است و جنگ تنها محدود به زمان ضرورت است. آنچه مسلم است، صلح و دعوت به آن برای پیامبر در اولویت قرار داشت و این را می‌توان از وجود پیمان‌هایی مانند صلح حدیبیه و نیز عفو عمومی در فتح مکه، دریافت کرد. این نوشتار بر آن است، ضمن ارائه شاکله‌ای کلی از رویکرد اسلام به مسئله جنگ و صلح بیان دارد که در صورت وقوع جنگ رعایت موازین انسانی و عدم تعدی، یک اصل است و اصل رحمت به نحو مستنبط از آیات و روایات، به مثابه چتری می‌تواند همه اصول و قواعد حقوق بشردوستانه را در برگیرد. در تفسیری عام از اصل رحمت، هرآنچه در روابط انسانی بخواید بنام اسلام صورت پذیرد باید در پرتو این اصل توجیه شود.

واژه‌های کلیدی: جنگ، اسلام، تعدی، رحمت، غیرنظامیان

*- Z.mahdavi.beh@gmail.com (نویسنده مسئول)

** - fazaeli@qom.ac.ir

مقدمه

بر اساس آموزه‌های اسلامی زمان رویارویی با دشمن، وظیفه این نیست که در وهله اول حمله کنیم بلکه نخستین وظیفه تبلیغ و آگاه کردن دشمن است. باید به طُرُق مختلف سربازان دشمن را متنبه نمود و هدف از جنگ را برای آنان بیان کرد تا برای گروهی که حق را نیافته‌اند اتمام حجت شود و گروهی که فریب خورده‌اند، واقعیت را دریابند؛ و برای گروهی که اهل کتاب هستند شرایط قرار گرفتن در پناه حکومت اسلامی بازگو شود. خداوند به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد هرگاه مشرکی هنگام جنگ برای شنیدن سخن الهی از تو پناه خواست، به او پناه دهد و پس از آن او را به مکان امنی برساند. (توبه: ۶) این امر نشان می‌دهد که اسلام برای فروکش کردن جنگ، هرچند برای مدتی کوتاه (آتش‌بس) برای فراهم آوردن زمینه آشنایی دشمن از اسلام، اهمیت ویژه‌ای قائل است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۱۵۳). درنهایت اگر دشمن حق را نپذیرفت شروع جنگ نباید از طرف مسلمانان باشد، بلکه باید صبر نمایند تا جنگ از ناحیه دشمن آغاز گردد.

روابط میان جهان اسلام با غیر مسلمانان بر اصل صلح مبتنی است و استفاده از زور و توسل به جنگ یک وضعیت استثنایی است که در صورت تعرض نظامی به سرزمین‌های اسلامی در قالب حق دفاع مشروع توجیه می‌شود، (الزحیلی، ۱۹۹۷: ۱۱۶) دفاع مشروع نیز حقی است که در حقوق بین‌الملل معاصر هم پذیرفته شده و در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد بدان تصریح گردیده است.^۱

در رابطه با اصول و قواعد مربوط به تحدید حدود جنگ در اسلام عمده داده‌ها و اطلاعات در کتب فقهی و روایی^۲ موجود می‌باشد و بیشتر این کتب بابتی تحت عنوان جهاد باز نموده و به بررسی آن پرداخته‌اند، از طرفی کتب تفسیری^۳ نیز با توجه به آیاتی که در مورد جهاد وارد می‌باشند به بررسی این مسئله پرداخته‌اند، همچنین کتب و مقالات و پایان‌نامه‌های چندی نیز در این رابطه به رشته تحریر درآمده‌اند. در عصر حاضر نیز با توجه به وقوع درگیری‌های اخیر بخصوص در کشورهای اسلامی بررسی این

۱. ماده ۵۱ منشور: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دسته جمعی، لطمه ای وارد نخواهد کرد...»

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (حسب بن محمد تقی نوری)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (محمد حسن نجفی)، مصباح

الهدایه الی الخلافه و الولایه (روح الله خمینی)، الکافی (کلینی)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (شیخ صدوق)، المحاسن (برقی) و

۳. حجه‌التفاسیر و بلاغ الإکسیر (بلاغی)، تفسیر المنار (رشید رضا)، الفرقان فی تفسیر القرآن (صادقی تهرانی)، میزان فی تفسیر القرآن (طباطبایی)، تفسیر من وحی القرآن (فضل‌الله)، کوثر (جعفری)، تفسیر نمونه، نور و

مسئله ضروری می‌نماید زیرا با وقوع خشونت‌های منطقه‌ای لازم است تا چهره روشنی از دیدگاه اسلامی در رابطه با اصول و قواعد حاکم بر جنگ‌ها ارائه گردد.

در سال‌های اخیر با گسترش جریان‌های افراطی منتسب به مسلمانان شائبه گسترش اسلام در سایه خشونت و جنگ و عدم روحیه رحمت و مدارا در اسلام مطرح شده است که بررسی الگوی اصیل اسلامی در پرتو آیات و سیره منتسب به رسول اکرم (ص) در برخورد با دشمنان و بحث رحمت اسلامی می‌تواند بزرگترین ردیه بر این ادعا باشد از این روی بررسی اصل رحمت اسلامی و عدم تعدی در اسلام ضروری می‌نماید.

آنچه به‌عنوان سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌شود این است که رحمت اسلامی چگونه محدود کننده رفتارهای جنگی می‌تواند باشد؟ و قاعده عدم تعدی تا چه حد قابل استفاده در زمان مخاصمات است؟ تجلی رحمانیت اسلام در زمان مخاصمات به چه صورت می‌تواند باشد؟

فرضیه‌ای که می‌توان در خصوص این مسئله مطرح نمود این است که در رابطه با جنگ، اسلام دیدگاه و قواعد خاص خود را دارد که برخی مانع وقوع جنگ است و برخی مجموعه‌ای از قوانین محدودیت‌زا پس از وقوع مخاصمه و طی آن است؛ عناصر و مؤلفه‌هایی هستند که در آن یا در ظرف آن جنگ رخ می‌دهد از قبیل رزمنده، غیرنظامیان، محیط زیست، مکان درگیری، محدودیت‌های زمانی (تحریمی و کراهت)، ماه‌های حرام، آغاز جنگ، پایان جنگ، ابزار و سلاح‌ها، شیوه‌های جنگی و طرح و نقشه و انگیزه-های جنگی. از سویی بر اساس دیدگاه اسلامی کرامت انسانی و ارزش‌های متعالی انسانی یک محور کلان است که باید رعایت شوند. در این رابطه آیات و روایات بسیاری وارد شده‌اند که می‌توان بسیاری از این قواعد مربوط به جنگ را تحت عنوان عدم تعدی گنجانند و لزوم رفتارهای انسان‌دوستانه را نیز تحت رحمانیت اسلامی بیان کرد.

روش تحقیق در پژوهش پیش رو توصیفی تحلیلی است که با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام گردیده و سعی شده از منابع معتبر اسلامی استفاده شود.

مفهوم شناسی

الف. تعدی

تعدی به معنای از اندازه خود گذشتن، ستم کردن و دست‌اندازی کردن (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۰۹۸)، تجاوز کردن به حقوق دیگران (انوری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۷۸۱)، همچنین از چیزی گذشتن، پشت سر گذاشتن چیزی و از چیزی دست برداشتن و به چیز دیگر پرداختن آمده است.

تَعَدَّى يَتَعَدَّى تَعَدَّيًّا الشَّىءُ: از آن چیز گذر کرد و آن را پشت سر گذاشت. (معلوف، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۹۱)؛ همچنین العَدَاءُ، بالفتح و المد: الظُّلْمُ وَ تَجَاوُزُ الْحَدِّ: العَدَاءُ به فتح و مد به ظلم و تجاوز بیش از حد نیز معنا شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۳۳).

ب. رحمت

رحمت مشتق از ریشه رح م است، رحمت معنای گسترده‌ای دارد که طیف وسیعی از مواهب را شامل می‌شود این مواهب گاه جنبه معنوی دارد و گاه جنبه مادی. (تفسیر نمونه، ۱۳۷۰، ج ۱۸: ۱۷۱)؛ رحمت، مهربانی و رقتی است که مقتضای احسان است نسبت به شخص مرحوم (فردی که مورد ترحم قرار گرفته است) و چون خداوند با رَحْم (رحمت) وصف شود، مراد از آن تنها احسان است نه رقت قلب. رحمت خداوند بخشش و تفضل و رحمت آدمیان رقت قلب و عاطفه است. (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۴۷). رحمت در معنای رقت قلب و عطوفت مخصوص انسان است و رابطه با خداوند کاربرد ندارد.

رحمت در مفهوم کاربردی آن در اسلام شامل عطوفت در برخورد با افراد و موجودات می‌شود. رحمت در اصطلاح یعنی اعطای کمال لایق به موجود ناقص و جاری شدن عوامل رشد و همچنین به معنی عطا برای رفع حاجت نیازمندان آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۴۷)

۱. رویکرد اسلام به جنگ

الف. جنگ در قرآن

هدف از تشریح جهاد در اسلام، رساندن پیام توحید و گسترش عبودیت خدا، وسیله‌ای برای حفظ نظام الهی اسلام، حاکمیت حق و عدالت، نابودی ستم و استبداد، گسترش امنیت و آرامش، رفع موانع آزادی انسان‌ها، دفاع از فطرت اسیر شده آنان و رهایی مستضعفان است؛ (صادقی، ج ۵ و ۶: ۱۸۰) بنابراین، جهاد، زمینه‌ساز دعوت به توحید و دفاع از آنکه امری فطری است، بدین‌سان، اسلام، دین رحمت، محبت، سعه‌صدر، تسامح و آرامش است و جهاد، فقط برای نفی خشونت و تحقق آزادی کامل و همه‌جانبه انسان‌ها (سید قطب، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۹۴) و یکی از راه‌های کسب آزادی است.

جنگ به‌طور ذاتی مورد تشویق اسلام نیست؛ بدین‌جهت، هرگاه دشمن برای صلح اعلام آمادگی کند، اسلام صلح را ترجیح می‌دهد (رشید رضا، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۱۴۰) تا بدان‌جا که به پیامبر فرمان می‌دهد آتش‌بس را بپذیرد و به احتمال خدعه دشمن توجه نکرده، بر خداوند توکل کند. (رشید رضا، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۶۹).

در تعالیم اسلامی آیات و روایات متعددی درصدد بیان و محدود نمودن اصول جنگی هستند.
 - قرآن مجید به صراحت جنگ‌افروزی را مذمت و منشأ آن را فساد و تباهی می‌داند. «و چون حاکمیت
 باید [با جنگ و خونریزی] در راه فساد در زمین می‌کوشد و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازد.» (بقره:
 ۲۰۵)

- قرآن بر آن است که خداوند فرونشاننده آتش جنگ است، «هرگاه آتش جنگ برافروزند خداوند
 آن را فرو می‌نشاند. آنان در زمین فساد می‌گسترند، اما خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.» (مائده: ۶۴).
 - قرآن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند: «ای ایمان آورندگان! همگی در صلح و آشتی
 درآیید؛ و از گام‌های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست.» (بقره: ۲۰۸).

- قرآن همچنین اهل کتاب را به اصول مشترک که بزرگترین بنیاد و زیرساخت همزیستی
 مسالمت‌آمیز است فرا می‌خواند: «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که بین ما و شما یکسان است؛
 که جز خداوند یکتا را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و کسی از ما، دیگری را جز خدای یگانه
 به پروردگاری نپذیرد.» (آل عمران: ۶۳).

- قرآن هرگونه تعدی، تجاوز و ستمگری را محکوم و از آن نهی می‌نماید: «تعدی و تجاوز نکنید،
 زیرا خداوند ستم‌پیشگان و تجاوزگران را دوست ندارد.» (بقره: ۱۹۰؛ مائده: ۸۷؛ اعراف: ۵۵).

- قرآن هرگونه نابرابری نژادی، قومی و ذاتی انسان‌ها را، که زمینه زیاده‌خواهی و تجاوزگری است،
 نفی نموده و تنها ملاک برتری را درستکاری و پاسداشت فضیلت‌های اخلاقی و انسانی می‌داند: «ای
 آدمیان! ما شما را از یک مرد و زن آفریده و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این امور
 ملاک امتیاز نیست)، همانا گرامی‌ترین شما نزد پروردگار پارساترین شماست، به درستی که خداوند دانا و
 آگاه است.» (حجرات: ۱۳)

- قرآن صلح و صفا و صمیمیت را برای بشر مایه خیر و نیکی‌بختی می‌داند: «وَأَلْصُقْ خَيْرٌ...» (نساء:
 ۱۲۸)؛ صلح و آشتی بهتر است. از همین رو قرآن مجید در موارد متعددی به ایجاد صلح و امنیت، وفاق و
 دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز فرمان می‌دهد. (احزاب: ۴۸)

در اسلام جنگ و حرب به تنهای مطرح نیست بلکه آنچه عنوان می‌شود بحث «جهاد فی سبیل‌الله»
 است که آخرین راه چاره برای درهم کوبیدن شرک و گمراهی است که جز در شرایط ضرورت پسندیده
 نیست.

۱. این آیه اگر چه در مورد روابط خانوادگی است اما قابل تعمیم به همه حوزه‌های روابط انسانی و اجتماعی است.

این‌ها تنها چند نمونه از میان صدها آیه مرتبط با موضوع صلح در اسلام بود. از آنچه گذشت به‌خوبی روشن می‌شود که اولاً در چشم‌انداز قرآن صلح یک «قاعده» است و جنگ «استثناء»؛ ثانیاً لشکرکشی و نبرد در راه تحمیل عقیده و اجبار در پذیرش دین در منطق قرآن مردود و بی‌اساس است.

ب. مراحل برخورد با دشمن

در اسلام برای برخورد با دشمن مراحل تعیین شده است:

۱. بی‌اعتنایی. «دَعُ أَدَاهُمْ» (احزاب: ۴۸) «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ دَعُ أَدَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»

«راغب» در «مفردات» می‌گوید: «اذی به معنی هرگونه ضرری است که به یک موجود زنده برسد، چه در جان، یا در جسم، یا وابستگیان به او، خواه دنیوی یا اخروی.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۶۸) وَ دَعُ أَدَاهُمْ و رها کن آن رنجی که از ایشان به تو رسید و بر بلیت ایشان صبر کن و مکافات مکن ایشان را تا وقت باشد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۴۳۵) وَ دَعُ و بگذار و دست بدار أَدَاهُمْ از رنج و اذیت رسانیدن بدیشان یعنی درصدد انتقام ایشان مباش که من شر ایشان را از تو کفایت کنم. (کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۱۴۱) کلبی گوید: یعنی خودداری نما از اذیت و کشتن ایشان و این قبل از فرمان قتال و پیکار با آنهاست. (مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۲۰: ۱۴۱).

۲. اعراض. «فَاعْرِضْ عَنْهُمْ» (نساء: ۶۳)

۳. خشونت. «وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۷۳)

۴. جنگ. «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره: ۱۹۰) جنگ مسلمین، برای دفاع از خود و دین خداوند است، لکن هدف دشمن از جنگ، خاموش کردن نور خدا «لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (صف: ۶۱) و به تسلیم کشاندن مسلمانان است. «لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰).

۲. نفی تعدی در اسلام

اسلام در رفتار فردی و مراودات اجتماعی از خشونت نهی کرده است و این امر نشان می‌دهد که در اسلام رحم و مدارا اهمیت بسیاری دارد پیامبر (ص) حتی در تقابل رفتار خشونت‌آمیز دشمن نیز راه مدارا در پیش می‌گرفتند و اصحاب را از هرگونه تعدی نهی می‌کردند.

الف. عدم تعدی

در اسلام حوزه مخاصمات بی حد و حصر نیست بلکه مقید به قیودی است از جمله اکتفا به حداقل خسارت و تلفات و نفی افراط و تعدی.

آیه نفی تعدی

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰).

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد!

در ماه ذی القعدة سال ششم هجری پیامبر اکرم (ص) با جماعتی از اصحاب به قصد انجام عمل عمره عازم مکه شد، چون به مکه نزدیک گردیدند، مشرکین، سپاه خود را تهیه و آماده پیکار شدند و مانع ورود مسلمانان به مکه شدند. بالأخره بعد از تفصیلی که دارد کار به صلح انجامید و صلح حدیبیه منعقد گردید و مقرر شد که در آن سال مسلمانان بدون زیارت بازگردند و سال آینده برای انجام عمل عمره به مکه بیایند و سه روز با فراغت خاطر و اطمینان در مکه باشند و بعد از سه روز مراجعت کنند (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۴۶).

لَا تَعْتَدُوا (عدو): تجاوز از حد نکنید. (معدی): تجاوزگر. لَا يُحِبُّ: دوست نمی دارد (تفسیر و تجزیه و ترکیب قرآن، بی تا: ۲۹).

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... برای دفاع از کیان اسلام و موجودیت مسلمانان و حفظ و حراست آن در مقابل بدخواهان و دشمنان، خداوند در کنار واجباتی مانند نماز و روزه و حج، واجب مهم دیگری را هم بیان می کند و آن جهاد با دشمن و جنگ با کفار است. البته آیات مربوط به جهاد در قرآن بسیار است ولی این آیات ویژگی خاصی دارد زیرا مربوط به جهادی است که در ماه حرام و در حرم الهی و در حال احرام انجام می شود. وقت و محل و حالتی که جنگ در هر کدام از آنها حرام است.

و قوله تعالى: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا؛ قيل: معناه لَا تَقَاتِلُوا غَيْرَ مَنْ أَمَرْتُمْ بِقِتَالِهِ وَلَا تَقْتُلُوا غَيْرَهُمْ وَقِيلَ: وَلَا تَعْتَدُوا أَيْ لَا تُجَاوِزُوا إِلَى قَتْلِ النِّسَاءِ وَالْأَطْفَالِ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۳۳).

در این آیه ضمن تصریح به ضرورت دفاع و مقابله در برابر تجاوز دیگران، یادآور می شود که در میدان جنگ نیز از حدود و مرزهای الهی تجاوز نکرده و متعرض بیماران، زنان، کودکان و سالمندانی که با شما

کاری ندارند نشوید. قبل از دعوت آنان به اسلام، دست به اسلحه نبرید و شروع کننده جنگ نباشید و مقررات و عواطف انسانی را حتی در جنگ مراعات کنید (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۰۲).

در این آیه چند نکته وجود دارد که توجه به آن‌ها لازم است:

نکته اول: جنگ باید در راه خدا و برای او باشد نه به منظور کشورگشایی و انتقام‌جویی یا اشباع غریزه جاه‌طلبی و برتری‌جویی استکباری و مانند اینها و راه خدا یعنی راه خیر و صلاح بشریت که رضای خدا در آن است مانند باز کردن فضای آزادی که مردم بتوانند در آن سعادت‌مندی زندگی دنیا و آخرت خود را تأمین کنند و دفاع از مظلومان و سرکوب کردن مهاجمان ظالمی که منشأ فتنه و نفاق شده‌اند و آزادی را از میان برده، ظلم و زور و اختناق به وجود آورده‌اند.

نکته دوم: این آیه می‌گوید: «با آنان که به شما حمله نظامی می‌کنند بجنگید» بنابراین، اگر حمله‌ای از سوی دشمن صورت نگیرد موضوع جنگ منتفی است و این قیدی است که مجاز بودن جنگ را مشروط به تجاوز دشمن می‌کند که طبعاً اگر تجاوزی صورت نگرفته باشد، شروع جنگ به‌طور ابتدایی مجاز نخواهد بود.

نکته سوم: این آیه از هرگونه تعدی و تجاوز در معنای عام نهی می‌کند، مانند کشتن زنان و کودکان، سوزاندن خانه‌ها و مزارع، قطع درختان (بدون ضرورت)، قتل عام اسیران و مانند اینها. البته مفهوم تعدی و تجاوز خیلی روشن است و وجدان و فطرت انسان مصداق‌های آن را تشخیص می‌دهد و به همین دلیل قرآن آن را مطلق آورده و توضیحی درباره آن نداده است تا هر کس با هدایت فطرت خود مصداق‌های آن را بیابد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱).

ضمناً در تفسیر این آیه قولی است که «لَا تَعْتَدُوا» یعنی «به کسانی که به شما حمله نظامی نکرده‌اند حمله نکنید و آغازکننده جنگ نباشید که این تعدی و تجاوز خواهد بود.» بر مبنای این قول جمله «وَلَا تَعْتَدُوا» تأکیدی است بر مفهوم قید «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» زیرا مفهوم این قید این است که اگر به شما حمله نظامی نشده است به‌طور ابتدایی حمله نکنید، بنابراین منطبق «وَلَا تَعْتَدُوا» مفهوم «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» را تأیید و تثبیت می‌کند.

نکته چهارم: این آیه به مجاهدان اسلام بعد از نهی آنان از تجاوز، تذکر می‌دهد که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد، یعنی شما که در راه خدا و برای رضای او می‌جنگید بدانید که اگر در فضای جنگ از حد عدل و انصاف خارج شوید و کارهای ناروا انجام دهید، خداوند راضی نخواهد بود و شما را دوست نخواهد داشت، زیرا تجاوز مبعوض خداست و بنابراین، تجاوز کار نیز مبعوض خدا خواهد بود.

در این آیات قتال را مقید به قتال کرده و فرموده: (وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ، در راه خدا قتال کنید با کسانی که با شما قتال می‌کنند) و معلوم است که معنای این کلام اشتراط قتال به قتال نیست و نمی‌خواهد بفرماید اگر قتال کردند شما هم قتال کنید، چون در آیه کلمه (ان - اگر) به کار نرفته، از سوی دیگر قید نامبرده احترازی هم نمی‌تواند باشد تا معنا این شود که تنها با مردان قتال کنید نه با زنان و کودکان لشکر دشمن، (که بعضی این‌طور معنا کرده‌اند) برای اینکه قتال با زنان و اطفال که قدرت بر قتال ندارند عملی بی‌معنا است و معنا ندارد بفرماید با آنان مقاتله (جنگ طرفینی) مکن، بلکه اگر منظور این بود باید بفرماید: زنان و کودکان را مکشید.

بلکه ظاهر آیه این است که فعل «يُقَاتِلُونَكُمْ» برای حال و وصفی باشد برای اشاره و معرفی دشمن و مراد از جمله «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» الذین حالهم حال القتال مع المؤمنین باشد، یعنی کسانی که حالشان حال قتال با مؤمنین است و کسانی که در مکه چنین حالی را داشته‌اند همان مشرکین مکه بودند. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۸۷-۸۸)

ب. مصادیق تعدی در جنگ

جنگ درعین‌حالی که دفاعی است، باید در راه خدا و با نیت رضای خداوند باشد. شرط جنگ در راه خداوند، تحقق هجوم نظامی دشمن است؛ با آنان که با شما می‌جنگند و مورد هجوم نظامی قرار می‌دهند بجنگید.

چون فضای جنگ فضای پرتلهایی است، قرآن توصیه و تذکر می‌دهد که از حدود جنگ عادلانه تجاوز نکنید (و فقط مهاجمان را مورد هجوم قرار دهید)؛ و چون مفهوم تعدی و تجاوز از حدود جنگ مشروع امری وجدانی و فطری است و همگان مرزهای آن را تا حدودی به روشنی تشخیص می‌دهند، قرآن واژه تعدی و تجاوز را مطلق آورده و مصادیق آن را به فطرت و وجدان انسان‌ها در هر عصر و مکان وانهاده است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۲).

اما روایات اسلامی به برخی از مصادیق تجاوز اشاره کرده‌اند.

در اسلام تناسب میان ابزار و رفتار مورد تأکید واقع شده است. به عبارتی دیگر وسیله‌ای که ماهیتاً نادرست و نامطلوب است نمی‌تواند در خدمت هدفی مقدس قرار گیرد و نمی‌توان با ابزاری غیر الهی به مقاصد الهی رسید. نمی‌توان با کاشتن بذر باطل، حق درو کرد و ممکن نیست به وسیله ستم، عدالت برپا شود.

قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید:

و ما كنت متخذ المضلّين عَصْدًا. (کهف: ۵۱) من گمراه‌کنندگان را به یاری نمی‌گیرم. تاریخ اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام مشحون از رفتارهایی است که به دلیل نامناسب بودن آن‌ها متروک شده، هرچند که به قیمت شکست ظاهری ایشان تمام شود. از جمله، مخالفت پیامبر اکرم (ص) با منع آب شرب مشرکین از چاه‌های بدر در غزوه بدر و یا مخالفت امام علی (ع) با استفاده از حيله و نیرنگ در جنگ با معاویه و یا اجازه دادن امام حسین (ع) به لشکریان یزید در واقعه کربلا برای استفاده از آب شرب نهر فرات و یا آنجا که رسول اکرم (ص) خالد بن ولید را در جنگ حنین نسبت به قتل غیر نظامیان مورد توبیخ قرار دادند.

در اسلام جهاد و مخاصمات بر پایه اصل رحمت و حفظ کرامت انسانی بنا شده است و لذا مقرراتی ممنوعه دارد که در غیر این صورت نمی‌توان به امنیت و صلح دست یافت. امیرمومنان (ع) می‌فرماید: «هنگامی که به اذن خدا آنان را شکست دادید، فراریان را نکشید و افراد ناتوان را از پای در نیابورید؛ مجروحان را به قتل نرسانید و زنان را با اذیت و آزار تحریک نکنید هرچند آن‌ها به شما دشنام دهند و به سران شما بدگویی کنند» (جمشیدی، طوسی، ۱۳۹۷: ۱۶۱).

الف. استفاده از سم

در روایت معتبر سکونی، رسول خدا (ص) فرمودند: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۴۱).

بر اساس این روایت رسول خدا (ص) از استفاده از سم در آب کفار نهی نموده‌اند. برخی از فقها همچون صاحب جواهر فرموده‌اند از روایت استفاده می‌شود حتی در صورت ضرورت هم نباید این کار صورت گیرد (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱: ۶۸).

ب. مصونیت غیر نظامیان

در روایات فراوانی زنان و کودکان در گروه کسانی قرار گرفته‌اند که مصونیت دارند، علاوه بر این روایات مفسرین نیز در تفسیر «وَلَا تَعْتَدُوا» کودکان، زنان، سالخورده‌گان را در زمره کسانی قرار داده‌اند که نباید در حقتشان تعدی شود.

ابتدای آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» عام است و اول امر به قتال داده شده است اما این عدم تعدی زنان و کودکان را شامل می‌شود که نهی شده است (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۷). در غزوات پیامبر اکرم (ص)، مسلمانان را از کشتن فرزندان مشرکین منع می‌نمودند (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۸۴). اقدامات و دستورات پیامبر درباره زنان اسیر نیز نشان‌دهنده توجه ایشان به این قشر می‌باشد (ابن

هشام، ۱۹۸۵، ج ۳: ۳۰۷). افراد نابینا، دیوانه و علیل نیز که هر کدام به نوعی توان جنگیدن ندارند در زمره مصونین از تعرض در جنگ محسوب می‌شوند (حسینی، ۱۳۷۲: ۲۸).

زمانی که سربهای پیش می‌آمد پیامبر (ص) امیران و اصحاب خویش را جمع می‌کردند و دستوراتی می‌فرمودند از جمله نهی از کشتن زنان، کودکان، سالخورده‌گان و بیماران و افراد ناتوان. همچنین در روایت سکونی آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: *أَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ وَ اسْتَحْيُوا شُيُوخَهُمْ وَ صَبِيَّانَهُمْ* (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۵)؛ بر اساس این روایت قتل سالخورده‌گان و کودکان نهی شده است.

پیامبر گرامی (ص) فرمودند: پیران، زنان، اطفال، عابران و رهبانان را که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، به قتل نرسانید (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۹۷: ۲۵؛ قمی، بی تا ج ۱: ۱۶).

در حدیثی از امام علی (ع) می‌خوانیم: *فَإِذَا كَانَتِ الْهَرِيمَةُ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا وَ لَا تُصِيبُوا مُعَوَّرًا وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ وَ لَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَدْيٍ وَ إِنْ شَتَّمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَ سَبَّيْنَ أَمْرَاءَكُمْ* (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج ۱۸: ۱۲۸): «هنگامی که به اذن خدا آنان را شکست دادید فراریان را نکشید و افراد ناتوان را از پای در نیاورید، مجروحان را به قتل نرسانید و زنان را با اذیت و آزار تحریک نکنید هرچند آن‌ها به شما دشنام دهند و به سران شما بدگویی کنند.»

ج. محیط زیست

در اسلام جنگ حقوقی دارد که دایره‌اش از حد بشر خارج است و طبیعت و حیوانات را هم در برمی‌گیرد، از جمله اینکه در جنگ کسی حق سوزاندن و قطع درختان را ندارد مگر اینکه ضرورت اقتضا کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۸). همچنین آتش زدن مزارع نیز نهی شده است و از تصاحب حیوانات نهی شده است مگر اینکه به جهت تهیه غذا ضرورت اقتضا نماید (همان، ج ۱۵: ۵۹). «وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۷)؛ و درختان را جز در حال ناچاری قطع نکنید. در وصیتی از پیامبر (ص) است که حیوانات حلال‌گوشت را جز به اندازه نیاز غذایان نکشید؛ زیرا حیوانات نیز همانند انسان‌ها - زنان و کودکان - صاحب حرمت هستند و نباید به خاطر خشم بر کفار دشمن هدف کشتار نظامی قرار گیرند. (حلی، بی تا ج ۱: ۴۱۳) شهید ثانی (۹۶۶ ق) از کراهت قطع درختان و آتش زدن محیط جز در مواقع ضرورت سخن گفته است (العالمی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۶).

انسان با مطالعه این قوانین متعالی و دستورات حساب‌شده و مترقی، به عظمت اسلام و گستره رحمت اسلامی در کانون خشونت، پی می‌برد، به گونه‌ای که حتی شامل درختان نیز می‌گردد؛ لذا پیامبر رحمت للعالمین به سربازان خویش دستور می‌دهد که هیچ درختی را در هنگام جنگ و نبرد قطع نکنند و به محیط

زیست احترام بگذارند؛ مگر اینکه درخت یا درختانی مانع پیشروی سربازان اسلام و لشکریان قرآن باشد که در این صورت قطع آن از باب ضرورت - و البته به مقداری که ضرورت اقتضا می‌کند - مانعی ندارد.

د. رسیدگی به اسرا

در اسلام اسرای جنگی حقوقی دارند که همه موظف به رعایت آن هستند. از جمله این حقوق، احترام به اسیر و رفتار محبت‌آمیز و متناسب با شخصیت او، عدم تحمیل فشار بر او و تهیه کردن وسایل نقلیه لازم برای انتقال وی به پشت جبهه و مداوای مجروحان می‌باشد. اطعام اسیر بر عهده کسی که او را به اسارت گرفته قرار داده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۹۱، ح ۲۰۰۵۰). توجه به اسیر در قرآن هم مدنظر گرفته شده است: «و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً» (انسان: ۸) و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند. در حدیثی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «استوصوا بالاسری خیرا و کان احدهم یؤثر اسیره بطعامه»: با اسیران به نیکی رفتار کنید، مسلمانان هنگامی که این سخن را شنیدند گاه غذای خود را به اسیر داده و او را بر خویشان مقدم می‌شمردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۳۵۴).

نظام حقوقی اسلام، در باب اسیر دارای سبقت تاریخی است؛ بدین معنا که اسلام زمانی در مورد اسیران مراعات اصولی را به صورت قانون الزامی دانست که در نقاط دیگر دنیا، مقررات حقوقی و قانونی در این زمینه وجود نداشت.

ه. محدودیت زمانی و شیوه‌های جنگی

در رابطه با زمان حمله و درگیری نیز در اسلام تمهیدات خاصی سنجیده شده است و سفارشات و محدودیت‌هایی ذکر شده است، از جمله اینکه از شبیخون زدن به دشمن نهی شده است در همین رابطه ابن عباس می‌گوید: رسول خدا (ص) با هیچ قومی نجنگید مگر اینکه ابتدا آن‌ها را دعوت کرده و به آنان اعلام نماید (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۰۷)، همچنین از درگیری پس از زوال خورشید نیز نهی شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۳). در اسلام جنگ‌های ناگهانی و بدون اعلام ممنوع است؛ زیرا ممکن است دشمن پس از اعلام جنگ از سوی مسلمانان، خواسته‌های آنان را برآورد و احتمال وقوع جنگ منتفی گردد؛ اما اگر پس از سه روز از اعلام جنگ، اهداف مسلمانان محقق نشود و دشمن همچنان بر تجاوزگری و عناد خود اصرار ورزد، باید با او جنگید (نواوی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). به نظر می‌رسد که این نوع محدودیت‌های زمانی و مکانی در جهت محدود کردن و کاستن از جنگ و به تبع کاهش تبعات آن است.

هچنین از استفاده از خدعه و نیرنگ نیز در جنگ نهی شده است به این صورت که به دشمن امان دادن و سپس به قتل رساندن (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱: ۷۸)، چنانکه بر اساس روایات مکر و خيله و نیرنگ محکوم به عذاب می‌باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۷۱۲). در روایتی از پیامبر اکرم نیز خیانت «و لَا تَغْلُوا» و مثله «و لَا تَمْتَلُوا» و فریب «و لَا تَغْدُرُوا» نهی شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹: ۴۰۸).

۳. رحمت اسلامی

در فرهنگ اسلامی اصل بر صلح و دوستی و پرهیز از خشونت است مشروط بر عدم سوءاستفاده و مصلحت جامعه اسلامی. در قرآن کریم ۱۱۴ سوره وجود دارد که ۱۱۳ سوره با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می‌شود و تنها یک سوره بدون بسم الله است که با اعلام برائت از دشمنان اسلام است و می‌توان چنین برداشت کرد که نسبت خشونت و رحمت در قرآن کریم نسبت یک بر صد و چهارده است یعنی اصل بر رحمت و خشونت استثنائی بر آن است. از سویی با توجه به اینکه اسلام دین رحمت و پیامبر اسلامی نیز مظهر رحمت الهی است، این اصل به‌عنوان یکی از اصول اساسی اسلام بشمار می‌رود زیرا که در دین اسلام اصل رحمت به‌عنوان یکی از اصول انسانی معرفی شده است و انتظار می‌رود که مسلمانان نیز اعمال خود را در همه زمینه‌ها چه در بعد فردی و اجتماعی و به‌ویژه در مخاصمات در راستای این اصل مهم قرار دهند.

الف. رحمان و رحيم

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الرحمن اسم خاص بصفة عامه و الرحيم اسم عام بصفة خاصة» یعنی رحمن اسم خاص خداست و مفهوم عامی دارد ولی رحيم اسم عام است و مفهوم خاصی دارد. می‌توان گفت فرق اول میان رحمن و رحيم از صيغه آنها ناشی شده است زیرا رحمن صيغه مبالغه است و در آن کثرت و عمومیت لحاظ شده است و بنابراین در رحمن رحمت الهی، عام و گسترده است ولی رحيم صفت مشبیه است و آن عمومیت را ندارد ولی در مقابل، ثبات و پایداری در آن لحاظ شده و این معنا با رحمت خاص خدا که هم در دنیا و هم در آخرت شامل حال مؤمنان می‌شود و یک نوع رحمت پایداری در محدوده مؤمنان است، جور در می‌آید (جعفری، بی‌تا ج ۱: ۱۷).

رحمت صفتی مخصوص خداوند است که رحمت واسعه‌اش تمامی موجودات را شامل می‌شود، لکن «رحيم» بر غیر خداوند هم گفته می‌شود زیرا که رحيم کسی را گویند که عاطفه قلبی او و احسانش بسیار باشد پس از این بیان معلوم شد که «رحمن و رحيم» دو اسم از اسماء خداوند ذوالجلال می‌باشند و هر دو

به معنی فضل و احسان و کرم غیر متناهی اوست لکن رحمت رحمانی او فراگرفته تمام موجودات را و هر موجودی به قدر استعداد و فراخور خود از آن رحمت نصیبی دارد بلکه می‌توان گفت وجود موجودات بعینه همان رحمت رحمانی اوست و رحمت رحیمی او مخصوص اشخاص با ایمان و با تقوی می‌باشد و دیگران را از این رحمت خاص نصیبی نیست پس اشخاص صالح نیکوکار هم از رحمت رحمانی حق تعالی برخوردارند و هم از رحمت رحیمی او فائزند این است که آن‌ها در نعیم جاودانی متنعم‌اند و در ظل حمایت حق تعالی همیشه محفوظند (امین، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۴-۳۵).

ب. رحمت اسلامی در قرآن

سوره براءت اعلان جنگ و نبرد و بیزاری از دشمنان لجوج اسلام است که امیدی به هدایت و اصلاح آن‌ها نیست؛ و روشن است که به هنگام جنگ با دشمن کینه‌توز، از رحمت و محبت سخن گفته نمی‌شود. به عبارت دیگر، نسبت خشونت و رحمت در قرآن مجید بر این اساس، نسبت یک بر صد و چهارده است؛ یعنی اصل بر رحمت و رأفت است و خشونت یک استثناء می‌باشد.

«قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (جاثیه: ۴۵)، به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله [روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد».

طبق این آیه شریفه، رحمت و عطف اسلامی اختصاص به مسلمانان و مؤمنان ندارد؛ بلکه خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد که با غیرمسلمان هم مهربان باشند.

ج. پیامبر جلوه رحمت خداوند

پیامبر گرامی اسلام (ص) رحمت برای جهانیان و اسوه و الگوی نیکی برای انسان‌هاست. هر چند غایت بعثت آن حضرت، بر اساس نقل متواتر، اتمام مکارم اخلاق بوده است، اما اخلاق در سیره نبوی با سیاست درهم آمیخته و سیره اخلاقی ایشان با سیره سیاسی‌شان پیوندی عمیق یافته است. در طول تاریخ پس از اسلام، مسلمانان با پیروی از دستور قرآن در اطاعت از پیامبر (ص) همواره به دنبال کشف ابعاد مختلف سیره آن حضرت بوده و تلاش می‌کردند سیره آن حضرت را الگوی رفتاری خویش در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی قرار دهند.

مهر و محبت و رحمت پیامبر گرامی اسلام همواره از صفات برجسته آن حضرت شناخته شده است. خداوند متعال چنین رأفتی را در وجود مبارک آن حضرت یک عطیه و موهبت الهی می‌داند. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹). بدین جهت است که خداوند آن حضرت را رحمت للعالمین معرفی

کرده است. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (انبیاء: ۱۰۷) نمونه‌های بارزی از این سیره را می‌توان در رفتار سیاسی _ اجتماعی آن حضرت مشاهده کرد. شاید بتوان اوج رحمت و گذشت آن حضرت را در مورد اهل مکه بباییم که در اوج قدرت از آن‌ها گذشت (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۹۰).

اوج عظمت و بزرگواری و رحمت پیامبر اسلام را می‌توان در جریان فتح مکه مشاهده نمود که ایشان فرمودند: «الیوم یوم المرحمة الیوم اعز الله قریشا الیوم یعظم الله فیہ الکعبة» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ۲۷۲)؛ امروز روز رحمت است، امروز روز عزت قریش است، امروز روزی است که خداوند به کعبه عظمت بخشید.

د. اصل رحمت در جنگ

صلح و رحمت از اهداف و آرمان‌های اساسی دین مبین اسلام است و پیامبر اسلام (ص) برای گسترش آن مبعوث شده است. بی‌تردید دینی که اساس آن رحمت است، پیام‌آور آن دین نیز پیامبر رحمت خواهد بود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». (انبیاء: ۱۰۷) حضرت خود در این باره می‌فرماید: «و انا نبی الرحمة» (کبیر مدنی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۵۷).

همچنان که قرآن صلح را با اهمیت دانسته است، در سنت پیامبر اکرم و رفتار مسلمانان پس از آن حضرت نیز می‌توان این اهمیت را یافت. پیامبر اکرم (ص) نخستین شخصیت در اسلام است که به دیپلماسی صلح‌جویانه مبادرت نمود و سفیران خود را برای برقرار ساختن روابط مسالمت‌آمیز نزد دولت‌ها و امپراتوری‌های زمان خود اعزام داشت. پادشاهان مصر، بیزانس، حبشه و فارس از جمله کسانی بودند که حضرت نمایندگان خود را همراه نامه نزد آنان فرستاد تا با اسلام آشنا شوند. افرادی که برای این مأموریت‌ها انتخاب شدند افرادی شایسته، دارای حسن اعتبار، دانشمند و فرهیخته بودند و برای بحث و گفت‌وگو در معرفی دین جدید و بیان ویژگی‌های پیامبر، توانایی لازم را داشتند.

نتیجه‌گیری

در بینش اسلامی هدف از جنگ هدایت انسان‌هاست و از تقدس برخوردار است، جهاد اسلامی، هرگز به معنی تحمیل عقیده نیست و اصولاً عقیده تحمیلی در اسلام ارزشی ندارد، بلکه جهاد مربوط به مواردی است که دشمن جنگ را بر امت اسلامی تحمیل می‌کند، یا آزادی‌های خداداد را از او می‌گیرد، یا می‌خواهد حقوق او را پایمال کند، در چنین دیدگاهی که صلح است و مخاصمات مسئله‌ای عارضی ماهیت مخاصمات نیز توأم با خشونت و کشتار نیست بلکه دفاعی است و منطقی موعظه غالب بر قهر و غضب.

از تعدی و تجاوز در آموزه‌های اسلامی منع شده است و رعایت اصول اخلاقی فراوانی توصیه شده است؛ مثلاً افرادی که سلاح بر زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده‌اند، یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان نباید مورد تعدی قرار گیرند، باغستان‌ها و گیاهان و زراعت‌ها را نباید از بین ببرند و از مواد سمی برای زهرآلود کردن آب‌های آشامیدنی دشمن (جنگ شیمیایی و میکروبی) نباید استفاده کنند. بدین ترتیب اتخاذ شیوه‌هایی که مغایر با کرامت انبای بشر و کرامت انسانی است منع شده است.

آیات و روایات فراوانی راجع به رحمانیت خداوند می‌باشند که نه تنها به عنوان صفتی برای خداوند که از صفاتی است که باید در تمام شئون عالم جلوه‌گر باشد و هر عملی که در جامعه به نام دین انجام می‌شود باید بر اساس رحمانیت سنجیده شود، رحمت و رأفت اسلامی به قدری وسیع و فراگیر است که در میدان جنگ نیز بروز و ظهور دارد؛ به تعبیر دیگر، اسلام آن قدر به محبت و عطف و رحمت اهمیت می‌دهد که حتی در کانون خشونت و تندی، پیروانش را نسبت به آن سفارش می‌کند. اصل رحمت به عنوان یکی از اصول اساسی و انسانی حقوق حاکم بر مخاصمات در اسلام بشمار می‌آید.

منابع

قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت. دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر. چاپ سوم.

ابن هشام، عبدالملک. (۱۹۸۵). *السیره النبویه*. بیروت. دارالاحیاء التراث العربی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). *متن و ترجمه معانی الاخبار*. ترجمه محمدی شاهرودی. تهران. دارالکتب الاسلامیه.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد. بنیاد پژوهش‌های آستان قدسی رضوی.

امین. نصرت. (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران. نهضت زنان مسلمان.

انوری، حسن. (۱۳۸۶). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران. سخن. چاپ ششم.

بلاغی، عبدالحجت. (۱۳۸۶). *حجۀ التفاسیر و بلاغ الإکسیر*. قم. انتشارات حکمت.

جمشیدی، محمدحسین. طوسی، کوثر. (۱۳۹۷). تبیین رابطه جهاد و تروریسم در اسلام سیاسی (از منظر امامیه و تکفیری‌ها). *دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۶ شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (پیاپی ۱۳)، صص ۱۷۰-۱۴۳.

حسینی، مصطفی. (۱۳۷۲). *بردگی در اسلام*. تهران. بنیاد دائره المعارف اسلامی.

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۳). *سیره نبوی منطق عملی*. تهران. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی‌تا). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت. نشر دارالقلم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴). *مفردات غریب القرآن*، بی‌جا. دفتر نشر کتاب.

رشید رضا، محمد. (۱۳۷۳). *تفسیر المنار*. بیروت. دارالمعرفه. افسست. بی‌تا. چاپ دوم.

الزحیلی، وهبة. (۱۹۹۷). *العلاقات الدولیة فی الاسلام مقارنۀ بالقانون الدولی الحدیث*، بیروت، موسسه الرسالة.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن*. تهران. فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.

صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). *جهاد در اسلام*، تهران، نشر نی، چاپ دوم.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت. اعلمی. افسست. قم. انتشارات اسلامی. چاپ سوم.

طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد. (۱۴۰۴). *المعجم الکبیر*. بیروت. دارالاحیاء التراث العربی.

العاملی، زین الدین علی بن مشرف شهید ثانی. (۱۴۱۳). *مسالك الافهام*. قم. مؤسسه معارف اسلامی. فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت. دارالملک. چاپ اول. فیرحی، داود. (۱۳۸۶). «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام تسعی». فصلنامه سیاست. دوره ۳۸. شماره ۱.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران. دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم. قمی، عباس. بی تا. *منتهی الامال*، قم، هجرت. کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۷۳). *خلاصه المنهج*. تهران. انتشارات اسلامیة. مترجمان. (۱۳۶۰). *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران. انتشارات فراهانی، چاپ اول. معلوف، لویس. (۱۳۸۶). *المنجد*. ترجمه محمد بندر ریگی. تهران. انتشارات ایران چاپ ششم. معین، محمد. (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*. تهران. انتشارات امیر کبیر. چاپ بیست و پنجم. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *پیام قرآن*. قم. انتشارات مدرسه علی بن ابیطالب علیه السلام. چاپ پنجم.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران. دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول. موسوی همدانی، محمدباقر. (۱۳۷۴). *ترجمه المیزان*. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم.

نجفی، محمد حسن. (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی. نواوی، عبدالخالق. (۱۳۹۴). *العلاقات الدولیة والنظم القضائیه فی الشریعة الاسلامیة*. بیروت. دار الکتاب العربی.

نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸. *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم. مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول.

ولائی، عیسی. (۱۳۸۰). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*. تهران. نشر نی. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه و تکملة منهاج البراعة (خوئی)*. ترجمه حسن زاده آملی، حسن و کمره‌ای، محمد باقر. تهران. مکتبه الإسلامیة. چاپ چهارم.